

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار ۴۲

به ۱۵ ریال

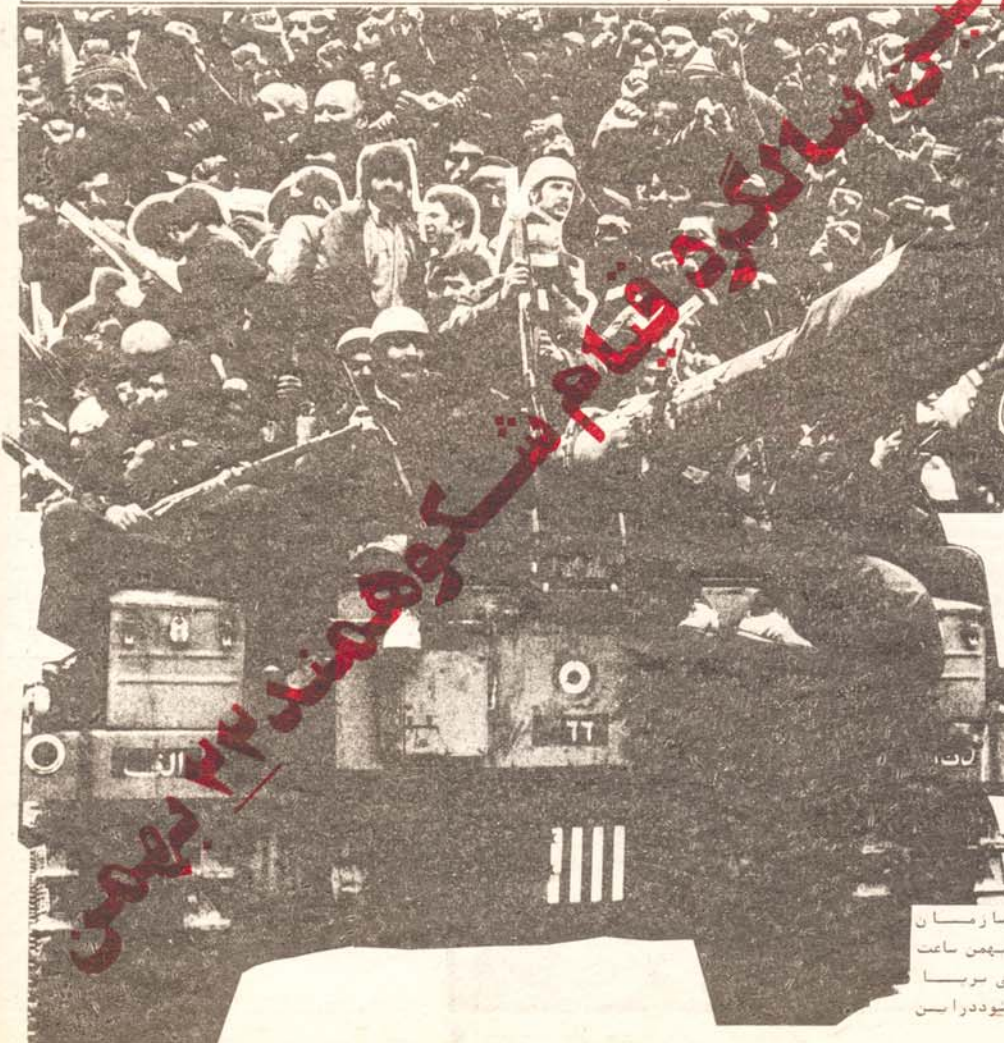
دوشنبه ۱۸ بهمن ۱۳۵۸

اولین سالگرد قیام مسلحانه ۲۲ بهمن را
به کارگران، زحمتکش‌شان و تمامی خلقهای
ایران تبریک می‌گوییم

آیا در طی یکسال گذشته وضع
زنان تغییر کرده است؟
آیا در آینده قانون دست‌پخت خبرگان آزادی
واقعی زنان را تضمین می‌کند؟
صفحه ۷

قیام و بورژوازی لیبرال
قیام تنها اوج جنبش نوقنده
خلق نبود، بلکه اوج خیانت
بورژوازی
لیبرال نیز بود
صفحه ۳

مروری بر
زمینه‌های
اقتصادی
- سیاسی
قیام
بهمن
توجه! صفحه ۲



دروغ بر تمامی شهدایی که در راه واژگونی سلطنت
و محو سلطه امپریالیسم جان خود را فدا کردند

بنام است سالگرد قیام بهمن، از طرف سازمان
پیکار در راه آزادی طبقه کارگر روز ۲۲ بهمن ساعت
۱۳:۱ در محل دانشگاه ملی تکنیک مراسمی سربا
می سوزانم و می خواست می شود در این
مراسم شرکت نمایند.

مروری بر زمینه‌های اقتصادی - سیاسی قیام بهمن

بازار مصرف کالاهای خارجی می‌گردد. میلیاردها دلار ارز بابت واردات کشور خارج می‌گردد، تورم افزایش یافته و نرخ کالاهای مصرفی خدمات‌بخش به‌سر آمدوری بالا می‌رود. درآمد ایران از نفت این منبع اصلی درآمداری ایران همواره نایب - ستهای ویرانه‌های تولید شرکتی چندملیتی و کارتل - های عظیم نفتی است. در نیمه اول سال ۵۶ - روزه - انه به‌طور متوسط نزدیک به ۶ میلیون بشکه و به‌ایانه نزدیک به ۴۰۰ میلیون تن نفت ایران توسط انحصار - گران نفتی بیتا راج می‌رفت که بعد از عربستان سعودی در بالاترین سطح قرار داشت. به‌طور متوسط ۵۰ درصد تولید ناخالص ملی را درآمد حاصل از نفت تشکیل می‌داد اما این درآمد‌های آتکه در جارجوب یک اقتصاد سالم و مستقل و با تقویت صنایع پایه ای و کلیدی و با در نظر داشتن نیازها و ضرورت‌های ملی و ایجاد تعادل منطقی بین رشد صنعتی و کشاورزی و ... بکار گرفته شود، به‌طور کامل در خدمت برنا مه‌ها و سیاست‌های امپریالیستی و با هدف رنکرومرجع و وابسته به آنها قرار می‌گیرد.

از سوی دیگر از آنجا که امپریالیسم بالاترین بهره‌بری و بیشترین غارت خود را از در آمد شرشار حاصل از نفت می‌توانست بدست آورد و این بخش از اقتصاد نقش محوری را در کل سیستم اقتصادی ایران ایفا می‌نمود، بخش‌های دیگر اقتصاد را زلزل و عقب افتاده‌تری را طی می‌نمودند. این وضعیت بیش از پیش در بخش کشاورزی و

در بخش کشاورزی:

سیاست ویرانه‌گر و مردمی رژیم شاه و اربابان آمریکایی اش وضع را بسیار آشفته‌تر از پیش در بخش کشاورزی و

صادرات نفت ایران به آمریکا دو برابر شد (اطلاعات ۲۳ آذر ۵۶)
سقوط بی سابقه دلار (اطلاعات ۵ آذر ۵۶)
۷۲ میلیون دلار وام برای خرید هواپیماهای ۲۲۷ ایران (آبندگان دی ۵۶)
خریدهای ایران از آمریکا ۴۰۰ میلیون دلار در تجارت و می‌کند (اطلاعات ۵ آبان ۵۶)
ایران برای اجرای تعدادی طرح در زمینه‌های مخابرات، صنایع کشاورزی و پتروشیمی ۹۰۰ میلیون دلار وام می‌گیرد (اطلاعات ۵ آذر ۵۶)
کسری بازرگانی خارجی ایران به ۶۲۸ میلیون دلار رسید (آبندگان ۲۲ آذر ۵۶)
کافی است نگاه‌های بدین مجموعه آثار و ارقام بیا فک کنیم که گشای از این اقتصاد عظیم و استواری و بوسه‌های درونی نظام سرمایه‌داری وابسته ایران را در بر می‌گیرد.

در زمینه تولیدات صنعتی:

صنایع تولیدی در کشور ایران از این نظر - نیازی از خارج نمی‌شاید، بلکه این صنایع بتا - خصلت زائده به خود وابستگی ایران را از هر نظر به صنایع کشورهای دیگر وابستگی افزایش می‌دهد. متعابلا در صنایع وابسته صنایع غیر وابسته و معمولاً متوسط و کوچک و چنگال بکان رشد کاملاً مستقل نفاخته و هر روز بیشتر وابسته‌های بزرگ و امتیازات ناشی از موقعیت استواری آن دچار کود و ورشکستگی می‌گردند. بدین ترتیب تولید داخلی از رشد و شکوفایی بازمی‌ماند، نیروهای انسانی ما هر وقت تخصص عاقل و باطل می‌مانند و وابستگی به نیروهای در خدمت‌های می‌مانند و ایران تبدیل به

است که در آن‌ها مالک بزرگترین تحول تاریخی ایران قرار گرفته ایم. ۲۲ بهمن سرآغاز نوینی است سرکشت غرور انگیز و پراختیا را انقلاب ایران، ۲۲ بهمن بجای خود شکوه و میلیونها بوده، شتمیده علیه ۲۵۰۰ سال امارت و بندگی است. نظام‌ها - هی در این مقطع حیاس از تاریخ ارم فرومی‌باشد و انقلاب گرچه به‌سروری نمی‌رسد اما دستاوردهای بی‌ظیم و بی‌روز مندا نه به خودی خود رفغان می‌آورد. اهمیت این تحول در جلدی است که به تحلیل از زمینه - های اقتصادی - سیاسی قیام بهمن ضرورتی بخش از پیش می‌بخشد. مادر گذشته این جنبه‌ها را تنها حالتی کمی توانستیم بیان داشتیم و اینک به مناسبت سالگرد این واقعه بزرگ تاریخی - مروری مجدد بر برخی جوانب آن می‌نمایم.

نگاهی به

زمینه‌های اقتصادی قیام:

رژیم سابق ایران یک رژیم سرمایه‌داری وابسته بوده است (که در جریان سرکونی سلطنت تنها ضرباتی سر آن وارد آمد). این سخن بدین معناست که - اگرچه مناسبات تولیدی و نیروهای مولده رشد یافته و به مرحله سرمایه‌داری رسیده، اما این تکامل و رشد پیوسته در زمینه نیازها و برنا مه‌های امپریالیسم صورت گرفته است و از این جهت رشدی "طبیعی" را مانند دیگر کشورهای بزرگ سرمایه‌داری از سر - گذرانده و همواره موانع و محدودیت‌های بسیار، ناشی از سلطه امپریالیست‌ها در مقابل آن سد بوده - اند. بنابراین سرمایه‌داری ایران بجای بالندگی و شکفتن از درون دچار کندگی و بوسه‌گذاری شده و تلاشی آن را بسیار نزدیک گردانیده است. اما بهینیم روال درونی سیستم سرمایه‌داری وابسته ایران در اوایل عمر رژیم پهلوی چگونه صورت‌بخش‌های حادث اقتصادی خود را نشان می‌دادند. بدین منظور ابتدا نگاه‌های به‌تیرهای اقتصادی روزنامه‌ها در سال ۵۶ می‌افکنیم که خود می‌تواند نموداری از حداثت‌بخش‌های اقتصادی و شکست رژیم از تثبیت سیستم اقتصادی حاکم بر کشور باشد:

واردات ۲۵ برابر صادرات شد. (آبندگان ۱۵ مرداد ۵۶)
قیمت‌ها در ۲۷ سال ۲۰ تا ۴۰۰ برابر افزایش یافت (آبندگان ۲۷ مرداد ۵۶)
صادرات ایران ۲۳٪ کاهش یافت (کیهان ۲۳ شهریور ۵۶)

در ۵ ماه اول سال سرمایه‌گذاری خارجی در ایران ۲۵٪ افزایش یافت (کیهان ۲۶ شهریور ۵۶)
۶ هزار تن روغن نباتی خارجی ماه آتسده به ایران می‌رسد (کیهان ۹ شهریور ۵۶)
در دیال اخیر قیمت زمین ۲ هزار درصد اضافه شد (اطلاعات ۱ شهریور ۵۶)

نسبت بعضی کالاهای ۶۵٪ افزایش یافت (آبندگان ۱۲ مهر ۵۶). ۱۴ ماه قیمت، ۳۴۶ درصد افزایش یافت (آبندگان ۱۳ مهر ۵۶)



- ارتش ضد خلقی شاه، خلق را سرکوب می‌کند.
- بادست خالی تاکی می‌توان در مقابل اینها ایستادگی کرد ؟

قیام ۲۲ بهمن ماه نشان داد که تنها خلق مسلح میتواند سلطنت را واژگون و بر امپریالیسم ضربه وارد کند

قیام و بورژوازی لیبرال

● قیام تنها اوج جنبش توفنده خلق نبود بلکه اوج خیانت بورژوازی لیبرال نیز بود.

جنبش توفنده خلقی که در آذرماه و آذرماه ۵۵ روزه اعتلا گذارده بود، بعد از میل عام وحشیانه هزاران تن از مردم قهرمان ایران در نقاط هرات ۱۷ شهریور ۵۷ در میدان شهدا و در سایر نقاط کشور به مرحله نویستی از اعتلا خود ارتقا یافت. مردم بعد از آن با مطرح ساختن شعار سرنگونی رژیم پهلوی و با فشاری بر آن در تمام نقاط هرات و استانهای سیاسی گسترده شان، شرایط را آرام آرام برای روزی که این شعار به صورت یک عمل فوری انجام پذیرد، مهیا ساختند. قیام خونین و شکوهمند ۲۱ و ۲۲ بهمن سال ۵۷ خلقهای ایران تجلی این سیر منطقی اعتلا و جنبش توفنده ها بود.

در جریان گسترش و اوجگیری مبارزات خلق ما، دوشی و دوستان در برخوردیه مسائل جامعه بطور روشن تجلی گردید.

مشی اول:

با منشی انقلابی و دیموکراتیک خواهان سرنگونی رژیم پهلوی، با سودی کامل سلطه نفوذ امپریالیسم، با سودی تمام سیستم سرمایه داری وابسته به آنها و وارثانهای وابسته بدان و استقرار یک سیستم مردمی و وطنی بود، تمام زحمات، همه انرا در خلقی، کمونیسم و نیروهای راستین انقلاب از همان اول طرفداران منشی انقلابی بوده و به آن پای فشردند.

مشی دوم:

با منشی لیبرالی و سازشکار، خواهان سرنگونی رژیم نبوده بلکه خواهان ایجاد یک سری اصلاحات و تعدیلات در رژیم مآدود. این منشی

خواهان تابودی کامل سلطه نفوذ امپریالیسم و تابودی تمام سیستم سرمایه داری وابسته نبود، بلکه تنها خواهان تعدیل فشارات استثمار و سرمایه داری وابسته نبود. این منشی از همان اول خواهان یک رفتم بود که می خواست دیکتاتوری بورژوازی وابسته به دیکتاتوری کل بورژوازی تبدیل گردد. این منشی خواهان سلطنت شاه بود و احیا قانئون اساسی را آرزو می نمود.

طرفداران این منشی لیبرالی و سازشکار را ما با بورژوازی لیبرال (بورژوازی متوسط غیر وابسته) است که طی سالیان گذشته از نظر اقتصادی بدلیل یکدستاری های سرمایه های بزرگ وابسته عرصه بر آن تنگ گردیده و از سیاست سیاسی نیز بدلیل وجود دیکتاتوری پهلوی دیکتاتوری بخشی از بورژوازی وابسته امکان ندارد و خود نمایی و استفاده از امکانات دولتی را میسر نمود. بورژوازی لیبرال رسون و بغایت فرمت نموده و اینها خواهان مبارزه با امپریالیسم و امکان مرجع داخلی شان بود و نه می خواست آنرا از در پی امواج توفنده ها - رزات خلق وابسته انرا می خواهد بر امواج خروشان انقلاب سوار شده، هم بر سر انقلاب بنشیند و هم در نجات پیروز شوند و نه پیاده شده و در زمانیکه مبارزات توفنده خلق قهرمان ایران را در پی خود نزدیک می-ند، نمایندگان سیاسی بورژوازی لیبرال بعد از سالها "گوشه نشینی"، سکوت و رندگی تمام و جدا از فشار رستم و استعمار که توفنده های جنبش را به عمل می شدند، با میدان "مبارزه سیاسی" میگردانند. و از طریق احیا و ایجاد احزاب و جبهه های وابسته

و کوناگون خودکوش می نمایند تا مانع از حرکت انقلابی توده ها شده و بدین وسیله با سوء استفاده از مبارزات توده ها به منافع طبقاتی خود هر چه بیشتر دست یابند. تنها بی باکانه نظرات رهبران شناخته شده این بخش از بورژوازی - دکتر سنجابی، دکتر سحابی و مهندس یارکان - درباره تشکیل دولت شریف امامی این توکر شناخته شده و کشف آمریکای برده از مواضع ضد انقلابی آنها بر می دارد. قابل ذکر است این اظهارات درست در زمانی که مردم مبارزات حق طلبانه شان بر علیه رژیم خونخواه پهلوی هزاران کشته و زخمی داده و مبارزات توده های مردم در آن وقت در یک سطح وسیعی از جامعه گسترش یافته بود، عنوان شده است. دکتر سحابی در پاسخ این سوال که مهمترین وظیفه دولت جدید چیست، می گوید:

"... در سالهای گذشته امکان فعالیت سیاسی برای گروههای مختلف فراهم نبود و به همین دلیل بسیاری از نیروهای مبارز اجتماعی خود را کنار کشیده و با درگاه شبهه فعالیت ادا می می دهند. در حال حاضر بسیاری از نیروها به میدان آمده و آماده فعالیت هستند. دولت جدید باید از این امکان استثنائی استفاده کند..."

دکتر سحابی در مورد فعالیت های اجتماعی آینده خود و همکارانش گفت:

"ما تا کنون فعالیت متخص سیاسی نداشته ایم و حرفه ای هم که در چند سال اخیر دره ایم غیر-خواهانه بود در جهت منافع مردم بوده است که متاسفانه تا کنون بگوش کسی نرفته و با آن تعبیرها می شده است."

وی افزود:

"فعالیت ما در آینده بستگی به شرایط و اوضاع و احوال روز دارد..."

دکتر سنجابی نظر خود را در مورد سوال مربوط به دولت شریف امامی اینطور بیان می دارد:

"عجالتا از اظهار عقیده معذورم. زیرا تا سرنامه دولت جدید اعلام نشود نمی توانم اظهار خوش-بینی بکنم. باید "عمل" در پشت کار باشد. تاکنون حرف زیاده درده شده است. اگر دولت بخواهد جدا گانه اقداما حاضریه مذاکره هستیم..."

این مهندس یارکان رهبر "نهضت آزادی ایران" نیز با جبهه ای که خبرگزاری فرانسه با او کرده، ابراز تمایزی نموده که اگر تا زمانی عمومی برای احزاب فاشیست و فاشیست های آن هرا میدی بسیاری است که آنها نتوانند با این آینده را شکل بدهند از سن می رود. یارکان گفت:

"این جنبش نیرومند و انقلابی و خود بخودی است، ما فقط می توانیم آن دنباله روی کنیم. به اینکه آنرا کنترل کنیم، زیرا که اشتد ما از طریق مینیک های سلفی نظر خود را بیان کنیم."

(روزنامه مکیان پنجم شهریور ۵۷)

آقای مهندس یارکان لیبرال و همکارانش در برابر تداوم و جگر نبوده جنبش توده ها و در مقابل خواست های انقلابی آنها که خواهان انقلاب و سرنگونی رژیم



● در آستانه قیام هر شهیدی که در خون خود درمی غلطد، خلق فریاد می زند: رهبران مارا مسلح کنید... اما رهبران چه کردند؟

قیام بطور عمده با خون و فداکاری زحمتکشان به پیروزی رسید، اما لیبرالهای سلطنت طلب و فرصت طلبان از راه رسیده بودند حاصل آنرا

بختیار و ارتش آمریکا برای یک سازش و مصالحه ای بودند! انتقال قدرت بصورت کاملاً مصالحه آمیز و "فنا نوتی" انجام یافته تا هیچ صدمه ای برارکانها و نهادهای سرمایه داری و وابسته و اردن نگردد. در روز نوزدهم بهمن ماه ضمن اینکه ارتشیدر بارغی رئیس ستاد بزرگ ارتش را از ارتش را از داخل در مسائل و امور سیاسی برحذر می داشت، مطبوعات آن روز خبر از مذاکرات مهمی بین بازرگان، بختیار و ارتش برای بیدار کردن راه حلی برای پایان بخشیدن به

مسئله مذاکرات مورد توجه قرار دهند". آمریکا و مرتجعین داخلی نیز سازش و مصالحه را بهترین راه حل تشخیص می دادند. کیهان در اول بهمن از قول یک مقام بلندپایه آمریکا شای نوشت: "اگر هر شیخ مسلمی ادا محکوم کردن دولت فعلی ایران به کشور بازگرد" سرخوردی بوجود خواهد آمد و این خط را در سرخواهد داشت که "عبارت ایدیکال" برای بدست گرفتن قدرت از آن استفاده نمایند.

● در حالیکه توده ها در تب صلح شدن برای سرنگونی رژیم شاه می سوختند، بورژوا لیبرالها در پشت پرده برای به سازش رسیدن با بختیار خائن و فرماندهان جلاد ارتش پلک برهم نمیگذاشتند.

● ۱۶ بهمن - بازرگان راجع به مذاکرات سری با مقامات رژیم سابق می گوید: "جازه بدهید این موضوع را فعلاً برای خودم نگهدارم و جوابی ندهم!"

● ۱۸ بهمن - اعلام مذاکرات ۴۸ ساعته بازرگان و... با بختیار و دیگر مقامات برای رسیدن به راه حل صلح آمیز.

● ۱۹ بهمن - اعلام مذاکرات مهم بین بازرگان، بختیار و فرماندهان ارتش

● ۲۰ بهمن - توطئه های خائنان لیبرالها - اگرچه بطور موقت - نقش بر آب می شود و خلقهای ایران قیام پرشکوه را می آفرینند!

شرایط موجود را داد.

آن روزها مردم فهیمان و جان پرکف حداقل توجهی به این مذاکرات و زد و بندهای بغایت ضد انقلابی بورژوازی لیبرال با سران ارتش و بختیار نداشتند، توده ها همچنان خواهان سرنگونی رژیم پهلوی، نابودی کامل سیستم سرمایه داری وابسته، نابودی سلطه و حاکمیت امپریالیسم و نابودی بودی تمام ارکانها و نهادهای ارتجاعی و ادا مداخلات تا به آخر رسوند. آنها در کوجه و خیابان خود برای جنبش روزی و شبانه طرماراز عظیم توده های بر علیه دشمن خونخوار آماده میکردند. آن روز، روز قیام مسلحانه بود. مردم همه قیام کردند، قیام برای صلح شدن همه جا این شعارها شنیده می شد "بغداد زنده شو! آمریکا سست"، "ما را مسلح کنید" و... همه ایران منتظر قیام بودند، منتظر زمان شروع یک آفرینش تاریخی. لنین میگوید: "قیام قیام" در باره "خود قیام جنبش تذکری -

دوروز پس از انتخاب بازرگان به نخست وزیری موقت هودینک در روزنامه "نخست وزیری بازرگان" گفت:

"حقیقت اینست که آنچه من می توانم در فرایند دوم عظیم حیات ملی ایران به دست آورم - آیت الله خمینی در مدت اقامت در ایران و در این سرزمین از بارگشت به شهران تا بدین مورد".

(مطبوعات ۱۸ بهمن ۵۷)
همچنین مطبوعات در روز ۱۸ بهمن با راه مذاکره یکباره ژنرال ها بزرگواران دهان خود را می نوشتند که عقیده ژنرال آمریکا شای "کودتای" شدت عمل توأم با خونریزی دست کم به این زور و وحشیانه این شرایط می نتیجه است، "مجموعه ای حقایق و حقایق بسیار دیگر نشانده توافق ضمنی بین وزارت لیبرال (بازرگان - بهشتی و...) و دولت

پهلوی بودند سخن به وحشت و هراس افشاده بودند. آنها کوشش می کردند تا برانقلاب توده ها مهیا رزده و حتی برای همین منظور ضمن مذاکره با آیت الله خمینی در فرایند صلح و مواضع ملایم و معتدل تر از ایشان گردیدند. قدرت افزاینده جنبش توده ای از یک طرف و قاطعیت آیت الله خمینی در مبارزه بر علیه شاه از طرف دیگر به نفعی لیبرال ها را برای مدتی نقش بر آب ساخت و برانقلاب بعد از اینگونه موضع آیت الله خمینی، نقش آشکار رژیم پهلوی و پیشرفت و موفقیت های چشمگیر آن دیدند، این دفعه با تغییر تاکتیک و از طریق مطبوعات اعلام کردند: "استند بر کرده انقلاب سوار شوند".

بعد از آمدن آیت الله خمینی به ایران در دوازدهم بهمن ۵۷ بازرگان از طرف آیت الله خمینی به نخست وزیری موقت ویا ارتش که عموماً به دست آزادی ایران بودند به پیشنهاد وزارت انتخاب گردیدند. بازرگان از همان اول تمام مساعی خود را بکار انداخت تا از طریق سازش و مصالحه با دولت بختیار، سران ارتش و آمریکا انتقال قدرت را به شکل مصالحت آمیز و بدون آنکه به ارکانها و نهادهای رژیم ارتجاعی شاه صدمه ای بخورد به انجام میرساند. بازرگان در اولین مصاحبه خود که بعد از نخست وزیری اش انجام داد در مورد بختیار و ارتش و اینکه مذاکرات در چه مرحله ای است گفت:

"اجازه بدهید که این موضوع را فعلاً برای خودم نگهدارم و جوابی ندهم". (کیهان ۱۶ بهمن ۵۷)

همچنین کیهان در ۱۸ بهمن راجع به مذاکرات سری بازرگان با مقامات و رهبران نوشت:

"منابع مطلع گفتند که در ۴۸ ساعت گذشته مذاکرات وسیعی را با بازرگان با مقامات و رهبران گروه های مختلف برای تدوین برنامه اخراجی با توجه به رویدادهای دوروز اخیر آغاز کرده است. منابع مطلع با دآوری گویند که در این مذاکرات به کوشش شده است که برای تغییرات بنیادی در رژیم ایران راه حلهایی مصالحه آمیز تهیه شود و طرفین کوشش کرده اند حتی "استند بر کرده انقلاب سوار شوند".



رهبران نخواهند و نتوانستند آنها را مسلح کنند، بنابراین خود ابتکار عمل را بدست گرفتند

قیام ۲۲ بهمن بار دیگر ثابت کرد که در انقلاب خلقها بدون رهبری طبقه کارگر نابودی ارتجاع و محو سلطه امپریالیسم امکان پذیر نیست

مربوط به کمیته‌ها و شورای انقلاب میگویند که کمیته پشت سفارت آمریکا به ما مربوط نیست اما هیچ کس نمیداند منبع قدرت این کمیته کجا است... ساداتی هنوز در زندانهای رژیم گرفتار است.

– دستگیری حامد شبانی و نیز ۴۱ نفر از اعضای و هواداران جریکهای فدائی در خوزستان.

– بازداشت رفیق افخمی حامی عضو گروه "زمندگان آزادی طبقه کارگر".

– و اخیراً دستگیری رفیق "محمدزادانیان" عضو گروه "اتحاد مبارزان در آلمان غربی" مبارزی که ۱۲ سال در جبهه خلق بر علیه امپریالیسم و

دارد... و از آنجا میثود برای کنترل بیگانگان و جاسوسان خارجی استفاده کرد" – کیهان ۱۳۵۸/۱/۱۱ – واضح است که زیددین مزدور امپریالیسم آمریکا، جاسوسان خارجی کسانی جز انقلابیون میهن ما نمی باشند.

شورای انقلاب نیز در تاریخ ۴ تیرماه ۱۳۵۸ قانونی بنام "قانون جرایم ضد انقلاب" را در روزنامه ها بجا می رساند که بخش مهمی از آن، دستخاست رضاخان و پسر مزدورش می باشد. و بخصوص ماده ۴ این قانون همان قانون سیاه فکرمونیستی ۱۳۱۰ رضاخان است. این قانون به کارگران مبارزین و زوجه ۲ تا ۱۰ سال حبس برای اعتراض، علیه سرمایه داران میدهد.

دولت موقت که از اعمال قهر انقلابی نسبت به وابستگان رژیم شاه خائن شاه بو حشمت افتاده بود، دست به تلاش گسترده ای زد و سرانجام در آستانه نوروز ۵۸، امپراتور جاسوس، سخنگوی دولت موقت اعلام نمود که بزودی فرمان "عفو عمومی" صادر می گردد. "عفو عمومی" به جانیانی که بیش از ۷۰ هزار نفر به شهادت رسانیده، بیش از ۱۰۰۰۰ نفر را زخمی نموده و سالها به شکنجه بهترین فرزندان خلق در زندانهای قرون وسطایی رژیم شاه خائن مشغول بودند، تقدیم گشت. "عفو عمومی" دستخوش به مزدورانی بود که سالیان دراز دسترنج توده های زحمتکش را به جیب اربابان امپریالیستستان سرازیر نموده بودند.

ارتجاع داخلی پیکار رنموده است.

یکی دیگر از توطئه های رژیم بر علیه انقلابیون

بقیه در صفحه ۹

(۱) – این روزها قمعها رند می بینیم – قمارنده های نیروی هوایی دولت موقت "انقلابی" را محاکمه نمایند. روزنامه "اطلاعات" در تاریخ دوشنبه ۸ بهمن ۱۳۵۸ از قول مقامات رژیم اعلام نمود که می بینیم به همراه گروهی دیگر بحرم وابستگی به رژیم سابق مورد محاکمه قرار خواهند گرفت.



رژیم با چنین توطئه هایی به مبارزان و انقلابیون بیون می پندارد. در پی سرکوب خلق عرب توسط مدنی جلاد، دستگیری از انقلابیون منطقه تحت عنوان "مداخلات"، "واحد فکرمونی" از عراق... به جوخه اعدام می کشند. پس از یورش به کردستان و در پی آن یورش به قهرمانان خلق کرد نیز بسیاری از نیروهای مبارز و انقلابی منطقه در بیدارگاه های خلیجی به اعدام محکوم می گردند. تنها در ماه های مرداد و شهریور سال ۱۳۵۸ مورد اعدام ضد انقلابی توسط رژیم انجام گرفته است. انقلابیونی چون بهمن عزتی، هرمز حبیبی بیانی، دکتر شروین سرداری، حامد مینا، ناصر سلیمی، امین و مصطفی سلطان و دهها رزمنده را به "خلق" مداخلات "نام گرفته و قلب پر طبع آنان آماج گلوله های دژخیمان قرار میگیرد. گرجی بیانی به همراه بهمن عزتی، مظفر قاضی، هوشنگ عزیزی و ۷ مبارز دیگر در سرکار خونی ۲۸ مرداد به شهادت می رسند. برآستی چه دردناک است که پس از قیام خونین شوهدها، خلق کرد در چنین روزی شاهد بخون غلطیدن فرزندان خود باشد.

هیئت خاکم تنها به کشتن انقلابیون میهن بسنده نکرده و انواع توطئه ها را در مورد آنان بکار گرفته است. بسیاری از مبارزان تاکنون دستگیر شده و مورد شکنجه و آزار قرار گرفته اند که به عنوان نمونه میتوان موارد زیر را ذکر نمود:

– دستگیری و شکنجه مجاهد محمد رضا ساداتی که توسط کمیته پشت سفارت آمریکا بوسیله عمل ساواک انجام گرفته است. این عمل آنچنان وقیحانه و دهن گشایی بود که حتی مدعی اعتراض لیبیرال هائی همچون بنی صدر را در آورد. روزنامه "انقلاب اسلامی"، در آن هنگام نوشته بود: "همه مقامات

سرکوبی دانشجویان مبارزان "سرهنگ شاه بیگی" عامل قتل استاد شهید کاظمی نجات الهی بجرم نبودن مدارک کافی (!!!) زندان آزادی کردند، تعداد زیادی پاسبان و گروهبان و... که بدستور همین امر (وجهی برای ناآگاهی) به سرکوب خلق پرداخته بودند به اعدام محکوم می شوند.

دولت موقت که از اعمال قهر انقلابی نسبت به وابستگان رژیم شاه خائن شاه بو حشمت افتاده بود، دست به تلاش گسترده ای زد و سرانجام در آستانه نوروز ۵۸، امپراتور جاسوس، سخنگوی دولت موقت اعلام نمود که بزودی فرمان "عفو عمومی" صادر می گردد. "عفو عمومی" به جانیانی که بیش از ۷۰ هزار نفر به شهادت رسانیده، بیش از ۱۰۰۰۰ نفر را زخمی نموده و سالها به شکنجه بهترین فرزندان خلق در زندانهای قرون وسطایی رژیم شاه خائن مشغول بودند، تقدیم گردید. "عفو عمومی" دستخوش مزدورانی بود که سالیان دراز دسترنج توده های زحمتکش را به جیب اربابان امپریالیستستان سرازیر نموده بودند.

با زرگان، رئیس دولت موقت در حمایت از مزدوران امپریالیسم با از این فراتر نرفته و حتی از ساواکیها نیز حمایت کرده و از وجود "اعتراض" و "اعلامیه" در درون ساواک بر علیه رژیم شاه خبر میدهند (!!!). (بنیامین تلویزیونی با زرگان، کیهان ۱۳۵۸/۲/۵)

اما میوه چنان انقلاب اگر این چنین به ضد انقلاب دستخوش میدهند، با انقلابیون میهنان چگونه برخورد می کنند؟

کمیته های امام مدبر و امپریالیست ارکان قدرت خرده بورژوازی مرفه (سنتی) همواره از شروع تشکیل خود تا مرحله حل شدن در دولت – ۳۰ تیر – دوگرایش انقلابی و ضد انقلابی را با خود حمل می نمود. در کنار اعدای انقلابی وابستگان رژیم سابق، میتوان از اعدای محمود ریشی بجرم مصداق بانک صادرات در دوره بختیار، حمله به کارگران پارس مینو و زخمی نمودن ۱۶ نفر از آنان، حمله به کارگران بیکسار اصفهان که منجر به شهادت رفیق نامرغوبیقیان و زخمی شدن عده ای دیگر گردید و... و نیز نمونه های فراوانی از دستگیری و شکنجه انقلابیون را توسط کمیته های امام یادآوری نمود. هر روز که از قیام میگذشت، گرایش انقلابی این ارکان کم رنگ تر و گرایش ضد انقلابی آن پررنگ تر می گردید تا سرانجام در ۳ تیر با ادغام شورای انقلاب و کمیته ها در دولت سرمایه داران لیبیرال و کمپرادور، بورژوازی توانست این ارگانها را به زاید خود بدل سازد و از آنها چاقی برای سرکوب هر چه بیشتر انقلابیون فراهم سازد.

اما دولت موقت بعنوان ارکان قدرت لیبیرالها و کمپرادورها، از همان ابتدای روی کار آمدن به توطئه بر علیه انقلابیون پرداخت. امپراتور نظام جدید دستگاهی جهانی ساواک را به توده ها بشارت داده و اعلام نمود: "یک گروه سه نفره برای تصفیه سازمان امنیت اعزام شده اند. این سازمان وسایل و سازمانهای عظیمی دارد که میلیاردها دلار ارزش

ماسک آزادیخواهی و ضد امپریالیستی لیبرالهای سلطنت طلب دیروز را از چهره آنان برداریم

آیا در طی یکسال گذشته وضع زنان تغییر کرده است؟

● آیا در آینده قانون دست‌پخت خبرگان آزادی واقعی زنان را تضمین میکند؟

توسط مردان و زنان را می‌آورد و در مقابل اشاره می‌کند به قوانین اسلامی که این تساوی را نادرست می‌داند.

از دیدگاه ما شکی نیست بهمت‌آزاد بخوانی زنان که در یک دوره در مالک غریبی اوج گرفتند و برای زیر استعمار گرفتن نیروی کار از زنان بود، بدون اینکه زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی را برای رشد و فراهم کنند، بدون اینکه اجازه رشد و رسیدن به مقامات مهم را در دستگاه‌های دولتی و... بوی ندهد. فقط وقف استغاده از نیروی کار از زنان و نسبت به مردان مورد نظر بوده و نه رشد قوه استکار و استعداد موجود در یک انسان. در مقابل، موازین اسلامی نیز سعی از رشد زنان جلوگیری می‌کند. در همین کتاب می‌خوانیم: "لذا نه تنها مصلحت زن، بلکه مصلحت مرد و کودکان خانوادگی نیز در اینست که زن از تلاش‌های اجباری خود گذشته معاش معاف باشد. مرد هم می‌خواهد که کودکان خانوادگی برای او کار نکنند و رفع خستگی و فرا موشخانه گرفتاریهای بیرونی باشد. زنی قادر است که کودکان خانوادگی را محل آسایش و فرا موشخانه گرفتاریها قرار دهد که خود به اندازه مرد خسته و کوفته کار بیرون نباشد. وای بحال مردی که خسته و کوفته با بچه‌ها نگذاشته و دوباره همسر خسته‌تر و کوفته‌تر را بخود و سرشود."

در حقیقت این فیلسوف اسلامی علت خستگی و کوفتنی هریک از زن و مرد را جواب نمی‌شود و بر سیستم سرمایه‌داری و بر اینست که تمام توان را در طول روز می‌گیرند و به ارزش اضافی تبدیل می‌کنند، سرپوش می‌گذارد. مسئله همین جاست که چنانچه سیستم حاکم بر جامعه مانع و خواست‌شده‌های مردم را در نظر داشته باشد، هیچیک، به‌جز وجه مردان را

بیرون خانه (برای زنان کارگر) و بدوش کشیدن مسئولیت‌های خانه از یکطرف و فرهنگ عقب مانده از طرف دیگر که بر تنه‌ها حکم میراند، اجازه یک حرکت بینانی را به آنان نمی‌دهد.

اما قوانین خبرگان چگونه در عقب نگاهداشتن زنان نقش دارند

در اصل سیستم سرمایه‌داری و مردی که در حمایت قانون قرار دارد و در همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی سر خوردار است.

در نتیجه این اصل زن و مرد هر دو می‌توانند از حقوق انسانی و سیاسی و اقتصادی و... با رعایت موازین اسلامی برخوردار باشند. در این اصل مساوی بودن در مقابل قانون مطرح نشده است یعنی بیان نگردیده که زنان و مردان در مقابل موازین مساوی هستند و استفاده از این موازین با رعایت موازین اسلامی در نظر گرفته است! برای اینکه اصول خبرگان را از زنان محاسب نظر از اسلامی تفسیر کنیم به کتابی از آیت الله مطهری اشاره می‌کنیم: در کتاب "نظام حقوق زن در اسلام" ایشان، صحت ۱۰۹ تا ۱۱۱ (نقل بمعنی) چنین بیان می‌کنند که فلاسفه غرب زنان و مردان را در همه امور متساوی میدانند و برای مثال می‌زنند و انجام کارهای سنگین در یک کارخانه

آیا در آینده قانون دست‌پخت خبرگان آزادی واقعی زنان را تضمین می‌کند؟ آن روز غرض خلق‌های پیشین بر زمین ما را بریزد در آورد آن روز خون سرخ سیمان را بر سر روزی خلق را گلگون نمود. آن روز سباهیه‌های کشت‌های سجد دوران پهلوی به زباله‌دان تاریخ سپرده شد. آن روز خلق بود و خون، خلق بود و مسلسل... خلق بود و اتحاد... و زنان، این ستمدیدگان قرن‌ها می‌توانستند طومار رخا فانی و تفکرات عقب مانده را در هم بچند و قوانین ظالمانه اجتماعی را که هزاران سال است بر سر زن‌ها زده شده و سبک‌بازی می‌کند، زیر پا بگذارد. اینست که با وجود این که کوب تمام بند و در این روز... زن بود و خون... زن بود و مسلسل... زنان بودند و مردان و آنان بیکار رجه و همچون تنی واحد، مثل خویش را بسوی خونخواران و استعمارگران و استعمارگران برناب کردند و با ردیگر غرض شیر زنان این سرزمین زنان مبارز و فداکار در دوران مغروریت و مبارزان ستارخانی را با خنجر آوردند... اما...

★ ★ ★

در سال گذشته ما شاهد انحصاریات در کارخانجات مختلف و نیز نظرات کارگران بیکار برای گرفتن یکی از حقوق حقه خویش یعنی محل و مکان برای مشورت و تبادل نظرات خویش بودیم.

بعد از قیام بهمن ما شاهد انحصارهای زحمات خلق را با نبوده میروا نظرات را کت بنگذاشتند اما دعوت به میروا نظرات را در دوا می‌نیا و در دوا شاهد مبارزه در کارخانجاتی که زنان نقش مهمی را در تولید دارند بودیم، مانند کارخانه‌های: دکور، عبیدی، که به پیروزیها می‌نزدست یافت، نخ‌ریس، استارلایت (که تجربه درس آموزی برای همه کارگران داشت)، دوزندگی ناطمی (که شرح آن در پیکار ۳۹ آمده است)، کفش ملی بخش کابور، همچنین کفش وین، شادان پور و... و اخبار آفریده بسیار.

نمونه‌های بالا نشان‌دهنده و جگیری مبارزه در میان زنان کارگران است.

همچنین در اینست که ما شاهد بودیم که امکان کار را از زنان قاضی گرفتند و به آنها گفته که حق کار در این رشته را ندارند و بهتر است که بکار آموزشی و پرورش کودکان نشان بپردازند.

فریاد قیام برای پیکار با یسواد

از نظر فرهنگی شعار آموزش بیسوادان اینروزها گوش را گرمی کند. سیستم آبا زنان جامعه از این شعارها نمی‌گفتند و بر سر اینست که در وضعیت بیفرنج آنان نمی‌دهد چه بهره‌ای می‌برند؟

کلاسهای پیکار با یسواد تشکیل میشود. اما زنان کمترین افرادی هستند که در آن شرکت میکنند چرا که اصلی ترین اشتغال آنان بیسی کار در



● پیکارجویان برای تسخیر یک پادگان ارتشی سنگر گرفته اند...

۲۲ بهمن اولین سالگرد قیام مسلحانه و شکوهمند خلقهای ایران گرامی باد!

عنوان کردن مادران شایسته یعنی چه؟ محبوس است. مادران شایسته از نظر قانون اساسی چیست؟ و بعد هم یک شرط دیگر یعنی در صورت نبودن ولی شرعی یک مادر شایسته می‌تواند از فرزندان خود نگهداری کند در صورت نبودن ولی شرعی مادران شایسته یا زهم‌نمی‌توانند خود نگهداری از فرزندان بپذیرند.

ما معتقدیم که فقط در صورت استقرار جمهوری دموکراتیک خلق، زنان همچون بقیه اقشار مستحق جا بعد از قیاد استقامت را خواهند داشت، ما معتقدیم فقط جمهوری دموکراتیک خلق قادر خواهد بود حقوق پایمال شده زنان را احیا کند و سرانجام موقوفات مورد زنان چنین است:

– تساوی حقوق کامل همه اتباع، صرف نظر از جنس دین یا نژاد.

– تأمین آزادی زنان و تأمین شرایطی که استعداد آنان شکفته شده و به‌طور مساوی همراهِ مردان به ترمیم و حیران عقب ماندگی اجتماعی خود اقدام

مورثه‌های غلافی از زن شروع شود مردان اگر عامل و فادار باشد نمی‌تواند با ابراز محبت و مهرپاشی علاقه زن را بازگرداند... ولی برای زن اهاست و غیرقابل تحمل است که برای حفظ حاکمیت و دنیا خسته خود بوزور و اجبار قانون منوط شود. (ص ۲۸۵).

حق طلاق دارد، ولی زن نباید برای زندگی که دیگر امید به بهبودیت نیست اقدام برای طلاق نماید. و مهم‌تر اینکه در ص ۳۱۲ چنین می‌گوید:

“در اینجا ذکر یک مطلب لازم است و آن اینکه همه سخنان ما در باره این بود که طلاق بصورت یک حقوق طبیعی از مختصات مرد است اما اینکه مرد می‌تواند بعنوان شوکیل مطلقاً یا در موارد خاصی، از طرف خود به زن حق طلاق بدهد مطلب دیگری است... یعنی زن حق طلاق ندارد مگر خود مرد در زنان عقد بدون اجازه طلاق را بدهد.

همچنین در بند ۵ اصل بیست یکم می‌گوید:

عطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غیبه آنها در صورت نبودن ولی شرعی

روا به قصد خواهد شد. چنانچه در یک جا بعد سوسیا – نسبی افراد آری کار می‌کنند که بتوانند و نه بیشتر. در حالیکه نسبی مثل آیت الله مطهری علاوه بر سوسیا با ما هم نسبی است اما نسبی – اقتصادی جامعه زنان را هم در نظر می‌گیرد. سبکدو اجازه برای شرکت در تولید و معیشت و کسب در حیات اجتماعی و اجتماعی را می‌دهد. (علا از نظر اقتصادی شرکت زنان در تولید را حسن مطهری می‌گوید: (ص ۲۳۵)

زن از حبه مالی و مالیاتی و نه تنها از منتهی مرد آفریده شده است و مرد از جنبه روحی زن بطور اکتفا به مرد سیمواید سبازهای فراوان مادی خود را که چنین برای مردان ترجیح کند، از این رو اسلام همه را سوسیا زن را غفلت بکار و معنی کرده است...”

مخروم شدن زنان را از نظر فرهنگی و سیاسی و اجتماعی در ص ۱۵۱ می‌بینیم: “... هیچکس را در حق با استعمار با اسباب معلوم افسوس برآورد و زن را در دنیا بنا نهاده است، اینها مزایا و خصوصیات است که حقوق انسانی بشر است، یعنی افراد در برتر و بساقت و استعداد و کار و فعالیت باید آنها را از اجتماع بکشد و اجتماع با یک قانون قراردادی آنها را به افراد خود و اکتفا می‌کند...”

یعنی حاکمیت این افراد از نظر طبیعی اختلافی وجود داشته و اینها اختلافات بتدریج موجب تا – ساقی شدن در استفاده از حقوق می‌گردد. از جمله احزاب و رسته‌های اجتماعی و تحصیلات... تمام مطالب بالا نشان می‌دهد که چگونه اصل سیمواید سوسیا و اساسی زن را بواسطه اختلافات از نظر جنسی بتدریج در یک حقوق و مزایا در اجتماع از مردان عقب بکار می‌دهد.

در اصل بیست و یکم چنین آمده است: دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات مساوی با زنان و از این اساسی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱ – ایجاد زمینه‌های مساوی برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.”

“احیای حقوق مادی یعنی چه؟ توضیح آنرا از همان کتاب می‌آوریم، در صفحه ۲۲۴ می‌خوانیم: “اگر زن محبوس باشد مانند مردان شما در سلاطین و کوشش و در حال دودین و بیول در آوردن باشد، غرور و در هم می‌کنند، چنین ها و گره‌هایی که گرفتاریهای مالی به چهره و اسرو مردان خداست در چهره و اسروی او پیدا خواهد شد. مگر شنیده شده است زنان غری که سبازها در کارگاهها و کارخانه‌ها و ادارات و احزاب در تلاش معاشند، آرزوی زندگی زن برای رادار و دینی است زن که تا پیش خاطر ندارد در صحنه خواهد یافت که خود بر سر و پا به سرور و هیبت مرد می‌رواقت شود...”

احیای حقوق مادی زن تکیه بر مرد آمدن! احیای حقوق معنوی: یعنی چه؟ مثلاً در مورد طلاق: “... سردی و خاموشی علاقه مرد، ترک ازدواج و بیایان حیات خانوادگی است، یا سردی و خاموشی علاقه زن بر مرد آزار بصورت مریض و معده‌ها را در دکان می‌پسود و شفا دارد، در

با مبارزه قهرآمیز توده‌ای، انقلاب راه آخر برسانیم

اگر واقعا می‌توانستیم تا به این نقطه می‌رسیم که در ایران ستم، و اگر نمی‌توانیم بکار دیگر تجربه شوم ۲۸ مرداد ۳۲ و انقلاب مشروطیت بوقوع نپیوندد، باید به مبارزه قاطع و قهرآمیز علیه امپریالیسم و رژیم سرمایه داری وابسته به آنها بپردازیم. هر گونه دست‌کم گرفتن قدرت دشمن و هر گونه گم بهیاد دادن به ستم‌های تبلیغ راه سالت‌جوانه در قبال دشمن سر تا پا صلح و در عین حال زخم خورده، یعنی سازش در برابر امپریالیسم و نوکران داخلی آن، یعنی مبارزه زن به انقلاب و تبدیل آن به یک جمهوری نیم بند و باز داشتن آن از سر حرکتی است که توده‌های خلق با مبارزاتی بسیار آثرا آغاز کرده و خواهان به انجام رساندن آن هستند.

پیش‌روی تشکیل ارتش مسلح خلق! سرگون با رژیم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم شاه‌خاق! بر سر راهیاد جمهوری دموکراتیک خلق! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر.

قراکتی از سازمان در بهمن ۵۸



● جنگیدن و دل‌آویزی به شهید شدن...

پیکار دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای قهرمان ایران تا محو سلطه امپریالیسم و نابودی ارتجاع داخلی ادامه دارد...

بقیه از صفحه ۴

قیام و ...

را از ساعت ۲۱ به ۱۶/۵ تغییر داده و کوچکترین تغییری در روحیه، مسرتاری، عظیم تسوده، مردم بوجود نیامد. با وجود اعلامیه‌ها ما خمینی درباره ترفتن مردم به خانه‌ها و بیرون رفتن مردم به راهپایا رفت. جمعیت غیر متکلیف و محاسباتها و کوچها از وزن و میر و بیرون جوان و بگوری و خود بخودی به ایجا دیاریکا د سنگر، شهید کوکلتل مونیف و ... پیدا ختند. شب بیست و دوم بهمن جمعیت خیابانها با نندند. در همین شب بود که تعدادی از کلاشیک ها و ساواک های پلیس بدست مردم فتح گردیدند. روز بیست و دوم با دکانهای ارتش، بقیه کلاشیک ها، مرکز ران و کولیسون، ساختمانهای دولتی، با ساک های و زاندر مری به اشغال مردم درآمدند. سلاحهای موجود در آن توسط مردم مصادره و اکثر مردم همین روز مسلح شدند. شب بیست و سوم بهمن زندانها، ساواک، کاتر و پلیس مراکز دولتی نیز به تصرف جمعیت مسلح درآمدند. در این روزها هزاران رزمنده، جان برفک شهید گدیده، عسکر و بیست و سوم بهمن نوشته و بر در یکسی مطبوعات چشم می خورد:

" این سیمار مرشدای آید
بخردها را باز کنید، این ارواح غمگین و رهبران شهید.

بقیه از صفحه ۱۵

پیروزی نهایی ...
معرض ضربات و حمله دشمن قرار داده ایم.
از اینرو موضع انقلاب نمی توان بدون بنا به موضع سازش و حتی موضع دفاعی در حال حملات بیرحمانه ارتش باشد. دستگاه ارتش ضد خلقی را باید نابود ساخت و این بمعنای مبارزه با سربازان و افسران میهن پرستی گدمنی خواهند بود. سربازان دست به کشتار مردم بزنند نخواهد بود. ما با آغوش باز از این افراد استقبال نموده و همراه با آنها بر علیه دشمن واحد مبارزه خواهیم کرد. اما صامت در برابر

بقیه از صفحه ۶

دستخوش دادن ...
اخراج آنان از ادارات و ارتش می باشد. شمار کشوری از نیروهای انقلابی از ادارات مختلف اخراج شده اند و این عمل در حالی انجام میگردد که همان رویای رژیم سابق در اسنادات قرار گرفته اند. در مورد ارتش نیز رژیم که خواست توده های آگاه و نیروهای انقلابی درون ارتش را بر سر نخل ارتش دستبردورده، امیرالاستها و ایجا د ارتش مسلح خلق را "فدا انقلابی" نامیده بود، سخن از تمغیه آن به میان آورد، اما جبران از همان ابتدا و همزمان با بازی ساواک و دیگر اقدامات ضد خلقی و ضد انقلابی اش از "تعديل" ارتش سخن می گفت و این "تعديل" نیز بلاخره شامل تعداد زیادی از پرسنل انقلابی و دموکرات ارتش گردید! همین جندی بیش بود که فرمان اخراج حدود ۷۰ هزار عا صرا انقلابی ارتش و بخصوص هافران مبارز را حرمهای همچون "جی"،

(۲) - برای توضیح بیشتر در این مورد می توانسته "پی‌کار" شماره ۳۵ مراجعه کنید.

بقیه از صفحه ۲

مروزی بر ...

با رزمینه ها در آورده است. روستا گدرد گدسده عرصه استمنا رو به ره گدشی اربا با زدها نان سودا دنیا ل اطلاعات ارضی بطور عمده عرصه سیمو استمار سرمایه داران، بانکداران و اربا نهایی اداری رژیم ضد خلقی شاه سابق از دهقانان به اصطلاح آزاد شده گردید. حامل کار و روش است: کشوری گددر همس ۲۷ سال قبل و در دوران حکومت ملی دکترا محمد مصدق با اقتصاد بدون نفت و سرمایه گذاری دهها برابر کمتر از میزان سالهای اخیر، صادر کننده محصولات کشاورزی و مخصوص محصولات سنتی از جمله گددم بود، طی سالهای گذشته در سایه حاکمیت امیرالاستها و نوکران حیره خوار دانی آنها بر مقدرات مردم ما، بسیاری از محصولات سنتی گدا وروزی و ارحله گددم از خارج وارد می گردید.

در مورد تسلیحات:

بودجه نظامی ایران طی سالهای ۵۵ - ۵۲ به ترتیب ۲۸، ۲۸/۵، ۲۸، ۲۷ و در بودجه کل کشور شامل می شده است، تنها در سال ۵۵، حدود ۵۵ میلیار در سال صرف هزینه های نظامی گردید که هدفی جز تسکون خلقهای ایران و مبارزینهای سلفه و جنش های آزاد بخش و حفظ سنا فاع امیرالاستهای آمریکا و انگلیسی و مردوران داخلی آنها نداشت و این در حالی بود که بودجه آموزش و پرورش و بهداشت و درمان در همین سالها مبالغ بسیار جزی را در مقایسه با بودجه نظامی شامل می کرد.

بطور خلاصه با متکی شدن اقتصاد ایران بر محصول یکپارچه نفت، غارت این ماده حیاتی سنا نازلترین نرخ ممکن، عدم رشد صنایع سنگین و پایه های، محدودیت صنایع ایران بد صنایع مونتاژ و معنوا زانده صنایع غرب، انحطاط وضع کشاورزی و بیرویه اضحلال و نابودی آن، صرف مللارده ها دلار از در آمد نفت برای خرید سلاحهای بیرویه های جنگی، بکار افتادن سرمایه های کلان در ریسده های بیرویه و بیرویه و سود آوری چون زمین، ساختمان و ... اقتصاد را با صورت یک اقتصاد بسیار گددموار در درون حال تلاشی و بیوسیدن است. در آورده و آنرا بیک بحر و بسیار عمیق گدا نده است. بدین سبب و در طی سالان دراز، سرمایه داران انکل و مردوران اربا با ن خارجی آنها به سود های کلانی که همگانه میسر انرا هم نمی توانستند بکنند، دست یافتند و در نهایت اقتصاد ایران به قیمت رشد و رفاه شدن صنایع خارجی و تخفیف بحرانهای مالی و اقتصادی کشور و امیرالاستی به اضحلال و نابودی کشیده شد. در سالهای عمیق و همگانه اقتصاد که بدیشترین حد را برده و کارگران و زحمتکشان را معده و ادرمی آورده، در ریسده های سیاسی چگونه متحلی شدند و مبارزانی توده ها را چگونه و طی به بیرویه ای رسد و در نتیجه اعتلای انقلابی رسانندند؟
ادامه دارد ...

این سرود انقلاب، این سانگ تسوده آزادی است:
"ملت ایران پیروزی حمله داد. حفا به بزرگ فتح دژ استمنا دگرا می باد."
"هتیا راسیم، دژهای غمده استمنا دمحمدرضا شاه را فروریخته ایم. دشمن زبون و ترسیده به سوراخ خیزده است. روح بزرگ انقلاب بر فراز شهر، در خون هزاران شهید سرود سناش می خواند. اما بقایای دشمن هنوز با بر جاست. اینجا و آنجا دژهای دشمن فتح نشده اند. خونخوارترین دژ خیمان عصر در میان مردم هستند. فرماندهان عمده و سرسپرده هنوز بر ارتش فرمان می رانند. ساواک هنوز با تمام نیروی خود رنده است. امیرالاستها و سنا رار حتم از دست رفتن سنا می بیند. سنا رجون مار زخم خورده سیر خود می بیند. مگنا سیم سرمایه داری و استنه همچنان بر حیات اقتصادی کشور حاکم است. هژ آن بزرگ و بورش تارهای دور نیست. هتیا راسیم، سیاد سنا و ریم وقتی ارتجاع سنا روبا قرا خلق صلاح کرد، انقلاب مشروطیت شکست خورد. نگذا ریم تا ریح تکرار شود تا فروریختن آخرین بقایای رژیم بوسیده، سنا صغیه، کامل ارتش، شهرانی، زاندر مری، سنا محکم و مل ساواک، ارتش خلقی خود را گددمروزی آن از مرز و بالا آن از زرادخانه های دشمن تهیه شده است. سنا ران سنا حفظ کنیم".

ارتش بنده ای و شکست و از دست رفتن سنا مایی دسنا ورده های حمله سناش سنا رخواه آدورد، بیست سوزی بیست سوزی سناش طبقه کارگر! بیست سوزی ایجا د حرمه سناش کارگر! بیست سوزی سناش ارتش سناش خلق! سرنگون با در رژیم سناش سناش سناش امیرالاست شاه حاکم! بر فراز باد جمهوری دموکراتیک خلق! سازمان بیکار در در آ وادی سناش کارگر
۱۳۵۷/۱۱/۳

"محرک"، "تحریک و ایجا درا هیماشی و تشکیل سناش (شورا)، "منافع"، "منفی باف" و ... صادر گشت (۲) همچنین می توان اخراج ۲ امرو خود ۱۱ درجده سنا رور از ایدگان شماره ۲ لشکر ۸۱ رهی نام برد. حرم سناش اعتراض ده فاشی فرمانده سناش به برسل با دگان بود! در جریان حمله به گردستان بسیاری از سربازان و افسران انقلابی کداز ضربانهای ضد خلقی فرماندهان مزدورشان را بر سر کشتار خلق کرد سربچی کرده بودند، به جوخه اعدا میرده شدند و اخبار انیز "بهر و بهر و زنی" افسران انقلابی و دلبر کرد کداز او مفرمانده، خا ش خود در مورد شرکت در کشتار بیشتر که ها سربچی نمود، دستگیر و سناش دت میرسد. این چنین است گوشه ای از کارنامه هیته حاکمه در بر خورید با غدا انقلاب و نیروهای انقلابی و آگاه جامعه، اما تاریخ نشان داده است که چنین رژیم ها ش در نهایت نخواهند توانست ما هیت خود را از دینوده ها پنهان نگا هدارند. خلق ما و انقلابیون راستین همچنان بر جرم خویش مبارزات ندا میرا - لیستی و دموکراتیک خود را بدوش می کشند و تا نابودی کامل سلطه امیرالاست و ارتجاع اربا نخواهند گشت

خلق فریاد میزد: "رهبران ما را مسلح کنید!" اما رهبران اینرا نمی خواستند! از اینرو خلق خود ابتکار عمل را بدست گرفت و بدینسان قیام مسلحانه ۲۲ بهمن آفریده شد!

هشدار سازمان به خلق در مورد سازش با ارتش ضد خلقی و فرماندهان وابسته با امپریالیسم در سوم بهمن ماه ۵۷:

پیروزی نهایی چیست؟ و چگونه تامین میشود؟

آمریکائی و فرماندهان کثیفی چون اویسی، از هاری خسروا، دوشنبه و... به منظور سرکوب خلقهای میهن ما و تهاجمی خلقهای منطقه تجهیز و آماده شده است. آمار ارتشی با این مشخصات می تواند بعنوان یک ارتش خلقی بحساب آید؟ مسلماً نه! سربازان که فرزندان نوده های زحمتکش جامعه ما هستند، با درجه داران و افسران جز که خود از فقرهای بائیس جامعه بحساب می آیند، با بدحاشیان از فرماندهان خونخوار و خلقه نیکوهای آمریکا جدا شود. همچنین با قریبی و فرار سربازان از ارتش و احساسات پاک و میهن پرستان دسته از افراد ارتش را که به صفوف مردم می پیوندند، باید از مآذها هیت ارتجاعی و ضد خلقی دستگاه ارتش بریده و با وسایلی امپریالیستی آن جدا نمود. اگر قریه های خود را از این می زند که ارتش با مردم است بخاطر سرکوب و تهاجمی است که در این موقعیت حساس سربازان ارتش را فرا گرفته است، بخاطر اینست که یک کودتا میانی، در شرایطی که تمام اقتصاد جامعه تلخ و در فقر و محنت با پذیرش با دستگاه جهنمی امپریالیستی وابسته به آسایشان داده اند، سراجا می خیزد و...



قیام پیروز شد، سلطنت و ازگون گشت، امپریالیسم ضربه دید، اما راه انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی ما هنوز پیاپی نرسیده است

خلقهای فرمان مادر یک مبارزه بی شکوه و دلیرانه، به دادن مدها هزار شهید و مجروح، در کشاکش یک نبرد کم کم به عنوان یک نهاد ولین سنگر پیروزی را فتح کنند و شاه را از جایگاهش برکنار سازند. این پیروزی متعلق به تمام بنده های ستمدیده است که در دوران نیکبخت با سلطنت این خاندان شکنج و بخصوص در این یک ساله اخیر، فشار تبعیضات و افسوسها را بر جان خریدند و بر علیه رژیم سرما به مبارزه مسلحانه جاکسم و آریایان حاکم ارتش قهرمانانه جنگ کردند. جای هیچ شکی نیست که این پیروزی، به نفع شاه با دوره سیاه حاکمیت دیکتاتوری خون آلوده پیروزی، بسیار بر ارزش و قابل اهمیت است، اما نباید فراموش کرد که این پیروزی در مقابل راه درازی که با پیروزی نهایی انقلاب در پیش داریم تنها قدم اول محسوب میشود و بیشتر، دشمن خونخوار در اثر موج گسترده نظرات و اعتمادات سیاسی کارگران و کارکنان مبارز موسسات دولتی و خصوصی، از نظر اقتصادی و سیاسی فلج گشته، از لحاظ نظامی نیز از درون دچار تزلزل و جدی رنجی گردیده، و عناصر بسیاری از افرادی که ارتش که خود از میان فقرهای محروم و ستمدیده جامعه برخاسته اند در کنار مردم قرار گرفته اند، ولی از رژیم سرما به داری وابسته به امپریالیسم حاکم هنوز تا رویقای بسیاری با بر جاست. پایه های سلطه و نفوذ امپریالیستها و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا در موسسات و شرکتها و غارتگر خارجی و داخلی وابسته، در قراردادها و اسارت، و اقتصاد، سیاسی، نظامی و در رأس آنها در ارتش ضد خلقی و تا مغز استخوان وابسته که از منافع حیاتی و اساسی امپریالیستها و سرپرندگان داخلی آنها دفاع میکند، هنوز قطع و از زمین برده نشده است. پیروزی واقعی در این است که رژیم سرما به داری وابسته با سودگست و سلطه و نفوذ امپریالیستها و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا از ایران بطور کامل و برای همیشه قطع گردد، جمهوری دموکراتیک خلق که رهبری آنرا کارگران بدست دارند از نمایندگان کلیه اقشار و طبقات خلقی تشکیل شود، ارتش ضد خلقی با سودگست و یک ارتش خلقی که حافظ منافع توده های مردم باشد بوجود آید...

اما امپریالیستها و وابستگان داخلی آنها با تمام نیرو از تحقق این درخواستها جلوگیری می نمایند. آنها از یک طرف با وسایل سرکوب خود، یعنی ارتش سرکوبگر، ساواک و نیروهای انتظامی و از سوی دیگر با توطئه و کوشش برای به سازش کشیدن رهبران جنبش میهنی مانند از فطی سلطه و نفوذ خود در ایران جلوگیری کنند. هم اکنون همه میدانند که ارتش یکی از ابزارهای امپریالیستها و سرما به داران وابسته داخلی برای حفظ منافع غارتگرانه شان در ایران است. این ارتش ضد خلقی آریا به و اساس بدست امپریالیستهای آمریکا شایسته، و تمامی بر نه ها و آموزشاتش زیر نظر مستشاران

فرماندهان جناحین ارتش در این یکساله نشان داده اند که از کدام راه با دستور می گیرند و در همین چند روز هم در اهواز، دزفول، اندیمک، نجف آباد و... دیدیم که این جناحین ارتش جواب احسانات پاک مردم را چگونه دادند. از لوله های مسلسل که به وسیله مردم گلباران نده بود، گلوله بارید و سینه برادران و خواهران ما را شکافت.

آیا همه این جنایات کافی نیست تا به این موضوع پی ببرد که چنین ارتشی را با یاد آریا به واسطه با سودگست و ارتش دیگری بنا باید؟ بنا بر این ما این جنبه از توصیه آیت الله خمینی را که می گویند: "ارتش از ملت است و ملت از ارتش است با رفتن شاه خلقی سران وارد نخواهد شد"، (بمنقل از اعلامیه آیت الله خمینی درج شده در اطلاعات مورخ ۵۷/۱۰/۲۳) و مطابق آن کل ارتش را یک دستگاه مردمی و خلقی تصور می کنند و خبره ارتجاعی و ضد خلقی آنرا در نظر نمی گیرند، با درست دانسته و بحال جنبش انقلابی مردم را خطرناک می دانیم. این توصیه و رهنمودها غایت ستمدیده آماج دهنی و روحی و عملی بوده ها برای برخورد غیر آریا به و احسان با پذیری که سرانجام امپریالیسم و ارتجاع داخلی، به وسیله جنبشهای از همین ارتش ضد خلقی به خلق تحمیل خواهند کرد، کاسه خود را قبل در مقابل دشمن خلق سلاج کردند. این نقطه نظر با بدحاشیان می رود که حتی از مردم می خواهند در مقابل حمله و تهاجم احتمالی به "برادران ارتش" از آنها دفاع کنند! همان "برادران ارتش" که در طی این مدت پیوسته به صفوف مردم مبارز تهاجم و با سلاحهای آمریکا شایسته میانه می زنند، خود قرارداد دارند. توصیه آیت الله خمینی مبنی بر پشت کردن سربازان به ارتش و پیوستن به صفوف خلق، توصیه ای کاملاً بحالت، اما این فقط یک جانب قضیه است و تکلیف دستگاه ارتش را که باید

یکلی با سودد، روشن نمی کند. این ارتشی با سالان در از بعنوان اسلزار سرکوب جنبش خلق و حافظ منافع امپریالیستها و سرزمین وابسته به آنها عمل کرده است و یک شبه تعبیر ما هیت نمیدهد و می تواند مدافع منافع مردم و خواستهای آنها باشد. این ارتش بعنوان یک دستگاه امپریالیسم و سرما به داران وابسته برای حفظ منافع آریا به و تهاجم به و حشانه ترین شکلی از انقلابی مردم را مورد هجوم و ضربت خود قرار دهد. اما بطوریکه چه در گذشته و چه در دوره اخیر بارها جنبش کرده است.

این احتمال وجود دارد که در لحظه فعلی بدلالی که مربوط به بدحاشی و وابسته است کامل دشمن در شرایط کنونی است، فرماندهان مزدور ارتش نتوانند دست بیک ما را جوی نظامی و جنگ کودتای خونین بزنند، اما از آنجا که سربازان به ستم و سرکوب همواره در دست آنها و بطور خاص از آنجا که در گذشته و در دوره اخیر و اساس آن تعبیری ایجاد نشده است، جناح قاطعانه با بودی کامل آن و متقابلاً تشکیل ارتش مسلح خلق را در دستور قرار ندیم، و در این باره با تحلیل از نظر ذهنی، روحی و عملی توده ها را آماده سازیم، انقلاب را که هنوز در قدمهای اولیه است، همواره در

مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران